

عنوان درس: وهابیت

استاد: حجة الاسلام محمد محسن طبسی

جلسه یازدهم مورخ 15/10/93

بسم الله الرحمن الرحيم

- ابن تیمیه و اهل بیت

موافقین ابن تیمیه:

در صدد اثبات عدم ناصبی گری وی هستند و گفته اند ابن تیمیه لیس ناصبیا

قائل به افراط ابن تیمیه هستند یعنی دشمن اهل بیت نیست ولی در کتاب منهاج السنه زیاده روی کرده: ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان

مخالفین ابن تیمیه: قدر مشترکشان این است که وی را منحرف از اهل بیت می دانند و قائلند که بغض اهل بیت را داشته است.

عده ای که وی را از اهل بیت منحرف می دانند

وی را ناصبی می دانند

اهل سنت: 1- شیخ محمد بن عقیل حصرمی (م 1350 ه.ق) در کتاب تقویت الایمان برد تذکیه ابن ابی

سفیان که به ابن تیمیه می گوید شیخ النصب 2- شیخ محمد زاهد کوثری حنفی (م 1371 ه.ق) در کتاب الاشفاق فی الاحکام الطلاق که به وی مبغض و ناصبی می گوید 3- احمد بن محمد بن صدیق قُماری مالکی (م 1380 ه.ق) در کتاب البرهان الجلی در مورد ابن تیمیه می گوید راس المنافقین، عدو آل البیت الاکبر، غلاه النواصب، شیخ النصب، شیخ النواصب، راس النواصب 4- عبدالله بن محمد بن صدیق قُماری (م 1413 ه.ق) در کتاب سمیر الصالحین در مورد ابن تیمیه می گوید 5- شیخ حسن بن سَقَّاف شافعی در کتاب السلفیه الوهابیه 6- شیخ عبدالله حبشی مالکی در کتاب المقالات السنیه فی کشف ضلالات ابن تیمیه 7- حسن بن فرهان مالکی که مذهب حنبلی دارد در کتاب قرائه فی الکتب العقائد و در کتاب الصحبه و الصحابه.

شیعه: کسی به تصریح در مورد نصب ایشان حرفی نزده یا بخاطر این است که نتوانسته اند نصب وی را ثابت کنند یا اینکه نصب وی را امری پیش فرض گرفته اند.

وی را خارجی می دانند: مانند عبدالله الشیمری در کتاب ابن تیمیه حیاة و آرائه که قائل است تفکرات ابن تیمیه ناشی از خارجی بودن وی است.

تفکرات ابن تیمیه ناشی از نفاق وی است: ابوبکر حسنی دمشقی در کتاب دفع الشبهه عن الرسول و الرساله

تفکرات ابن تیمیه ناشی از تفکرات أموی وی است: سید کمال حیدری در کتاب معالم الاسلام الاموی

وی ناصبی عثمانی است و طبق یک روشی در کتبش پیش رفته یعنی اگر تعریفی هم از اهل بیت کرده امیرالمومنین را در رده چهارم و مساوی با سایر صحابه می داند.

افکار وی را متناقض می دانند و توقف کرده اند: آقای شیخ حسین رجبی

ابن تیمیه و اهل بیت در کتاب منهاج السنه

انکار تمامی فضائل قرآنی و روایی تاریخی اهل بیت علیهم السلام بویژه امام علی علیه السلام.

قبول سه حدیث رایه، مباحله و کساء در فضیلت امام علی و اهل بیت علیهم السلام که در صحیح

بخاری و مسلم آمده است البته با تفسیر عثمانی گری. در مورد حدیث رایه می گوید اینکه پیامبر گفته پرچم را دست کسی دهم که محبوب خدا و رسولش باشد بخاطر این است که پیامبر خبر داشته که امیرالمومنین علیه السلام در مقابل خوارج قرار می گرفته و خوارج گفتند امیرالمومنین کافر است لذا پیامبر این حدیث را فرمود تا شبهه ایمان از امیرالمومنین دفع شود یا اینکه ایمان سه خلیفه ثابت بوده فقط در مورد امیرالمومنین شک بوده که با این حدیث ایمان ایشان ثابت شده است پس فضیلتی برای امیرالمومنین نیست. در مورد حدیث مباحله هم گفته چون پیامبر غیر از اهل بیت کسی را نداشته آنها را برده و گرنه اگر داشته می برده و دعایش زودتر مستجاب می شده. در مورد حدیث کساء گفته این فضیلتی نیست و اهل بیت اختصاصی به این پنج نفر ندارد.

انکار خصائص و تبدیل آن به فضائل و تفسیر عثمانی فضائل. یعنی چیزی را که به کسی اختصاص دارد (خصائص) تبدیل کرده به چیزی که در همه هست ولی مثلاً یک فرد، در آن بارز است (فضائل) در نتیجه هیچ خصیصه ای قائل نمی شود و همه را تبدیل به فضیلت می کند و مثلاً تفسیرش هم این است که امام صادق علیه السلام عالم بود ولی نه مثل ابوحنیفه و ابن ابی لیلی.

مدح دشمنان اهل بیت و تطهیر آنان

بنی امیه: به صورت عام و به صورت خاص از معاویه مثلاً می گوید اسلام در زمان خلفای ثلاثه عزت داشت و در زمان بنی امیه عزت داشت یعنی فتوحاتی داشت اما در زمان حکومت امیرالمومنین قتل، کشتار و... وجود داشت.

بنی عباس:

خوارج: ابن ملجم اهل نماز و روزه بود و از برخی روافض بهتر است.

عبارات ابن تیمیه در این باب:

منهاج السنه، 4، 513: قَدْ ثَبَتَ إِسْلَامُ مُعَاوِيَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَالْإِسْلَامُ يُجِبُّ مَا قَبْلَهُ. فَمَنْ ادَّعَى أَنَّهُ ارْتَدَّ بَعْدَ ذَلِكَ كَانَ مُدَّعِيًا دَعْوَى بِلَا دَلِيلٍ لَوْ لَمْ يُعْلَمْ كَذِبُ دَعْوَاهُ، فَكَيْفَ إِذَا عَلِمَ كَذِبُ دَعْوَاهُ، وَأَنَّهُ مَا زَالَ عَلَى الْإِسْلَامِ إِلَى أَنْ مَاتَ، كَمَا عَلِمَ بَقَاءُ غَيْرِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ؟ فَالطَّرِيقُ الَّذِي يُعْلَمُ بِهِ [بِقَاءِ إِسْلَامِ] أَكْثَرُ النَّاسِ مِنَ الصَّحَابَةِ وَغَيْرِهِمْ، يُعْلَمُ بِهِ بَقَاءُ إِسْلَامِ مُعَاوِيَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - . وَالْمُدَّعِي لِارْتِدَادِ مُعَاوِيَةَ

وَعُثْمَانَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - لَيْسَ هُوَ أَظْهَرَ حُجَّةً مِنَ الْمُدَّعِي لِارْتِدَادِ عَلِيٍّ. فَإِنْ كَانَ الْمُدَّعِي لِارْتِدَادِ عَلِيٍّ كَاذِبًا، فَالْمُدَّعِي لِارْتِدَادِ هُوَلَاءِ أَظْهَرَ كَذِبًا، لِأَنَّ الْحُجَّةَ عَلَى بَقَاءِ إِيْمَانِ هُوَلَاءِ أَظْهَرَ، وَشُبْهَةُ الْخَوَارِجِ أَظْهَرُ مِنْ شُبْهَةِ الرِّوَافِضِ.

برجسته کردن قتل عثمان

زیر سوال بردن خلافت امیرالمومنین علیه السلام

بوسیله تشکیک در تربیع و مشروعیت خلافت امیرالمومنین علیه السلام

قبول اصل خلافت امیرالمومنین علیه السلام و بی ارزش بودن خلافت ایشان